



روستای

قادیگلای بزرگ





شهید حسین علی رستگار

نام پدر: مراد

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۶

محل شهادت: محور اهواز - خرمشهر

وصیتنامه

بازگشت همه به سوی اوست.

**فرازی بر
وصیت نامه شهید**



با درود به رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی و با درود به روان پاک شهیدان صدر اسلام از کربلا تا کربلای ایران.

با عرض سلام خدمت پدر و مادرم و برادرانم و خواهرانم و فامیل ها و دوستانم که امیدوارم همیشه تحت توجهات حضرت مهدی و نایب او بوده باشند، وصیت خود را شروع می کنم.

پدر و مادر گرامی ام، خود می دانید که تنها دین اسلام است که موجب سعادت انسان ها است. سعی کنید که در این راه تبلیغ کنید. شما مسلمان هستید، باید در گسترش این دین کوشا باشید تا مستضعفان جهان با وجود احکام الهی، از دست این خونخواران و کافران شیطان پرست جهان آزاد شوند و اسلام را در سراسر جهان گسترش و پایدار نگه دارند.

خداوند ما را آفریده است که ما را آزمایش کند. این جهان مانند آزمایشگاهی است که انسان ها در آن آزمایش می شوند، مثلاً این جنگ یک آزمایشی بود که بر ما شد. من در این جنگ آزمایش شدم و راه خود را انتخاب کردم. پس ای پدر و مادر گرامی ام، برادران و خواهران عزیزم، اگر در این راهی که خودم انتخاب کردم کشته شدم، فقط خودم این راه را با جستجوی فراوان پیدا کردم و رفته ام و امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی، این کشته شدن و راه شهادت مرا قبول کند و مرا بپذیرد.

من فهمیدم که این زندگی مادی این جهان، ذلت می آورد و ما نباید منتظر باشیم که مرگ ما فرا رسد، بلکه باید به سراغ مرگ برویم. مگر انسان یک دفعه بیشتر می میرد، پس چه بهتر است که آن یک دفعه هم در راه خدا باشد. من با کمال میل به این جبهه مقدس که برای پیروزی اسلام است، رفته و چون ما به خودمان تعلق نداریم، یعنی خلق نشده ایم تا راحت طلب باشیم یا در پی آسایش دنیوی باشیم، نه این ارزشی ندارد. خلق شده ایم تا آزمایش شویم. این راه برای من خیلی خوب است چون جنگ با کفار لذتی بزرگ دارد و من هم به این جنگ روانه شدم تا با دشمنان اسلام و کافران بجنگم.

ای پدر و مادر عزیزم و ای برادران و خواهران و فامیل ها و دوستان گرامی ام، بر شما وصیت می کنم که امروز زمان امتحان است، دو جبهه وجود دارد: حسینی و یزیدی. با ایمان خالص از این فرصت استفاده کنید و به جبهه حسین پیوندید. و بر شما وصیت می کنم که قدر نایب الامام خمینی بزرگ را بدانید و او را تنها نگذارید و حرف های او را گوش دهید و اگر گوش به حرفش ندهید و قدر امام را ندانید، از طرف خدا دچار بلاهای عظیم خواهید شد. این رهبر بزرگ و این روحانیت عزیز را حمایت کنید و هرگز فریب منافقان و روشنفکران غرب زده را و شرق زدگان را نخورید و روحانیت مبارز را حمایت کنید.

باز عرض می کنم، پدر و مادرم راهی که انتخاب کردم از روی آگاهی و شناخت بوده است که خدا مرا راهنمایی کرده است، برای گسترش اسلام، پس کسی که در راه خدا جهاد کرده است و کشته شده است، دیگر ناراحتی ندارد. باعث افتخار من است و شما هم باید خوشحال شوید که فرزند شما در راه خدا کشته شده است. پدر و مادر و دوستانم، اگر نتوانستم فرزند و دوست خوبی برای شما باشم، مرا ببخشید و اگر نتوانستم برای شما کار خوب و خدمت بهتری بکنم، مرا ببخشید. وقتی که شنیدید کشته شدم، هیچ ناراحت نشوید و خوشحال باشید که من در راه خدا رفته ام و این راه خوبی بود که من انتخاب کرده ام، پس دیگر ناراحتی ندارد، چون ما را خدا آفریده است و باید به سوی او بازگشت کنیم.

در آخر یک تقاضایی از شما دارم که من به مبلغ ۵۰۰ تومان نذر به امام رضا(ع) دارم، لطفاً آن را بدهید و سلام مرا به فامیل ها و دوستانم برسانید و از آن ها بخواهید که از بدی های من درگذرند و مرا حلال کنند.

دیگر عرضی نیست. خدا شما را به راه راست هدایت کند. خداحافظ.

لطفاً هر وقت می خواهید بخوانید، اول آن را تصحیح کنید.

۱۳۶۰/۵/۱۵

وصیت نامه برادر کوچک شما: حسین علی رستگار





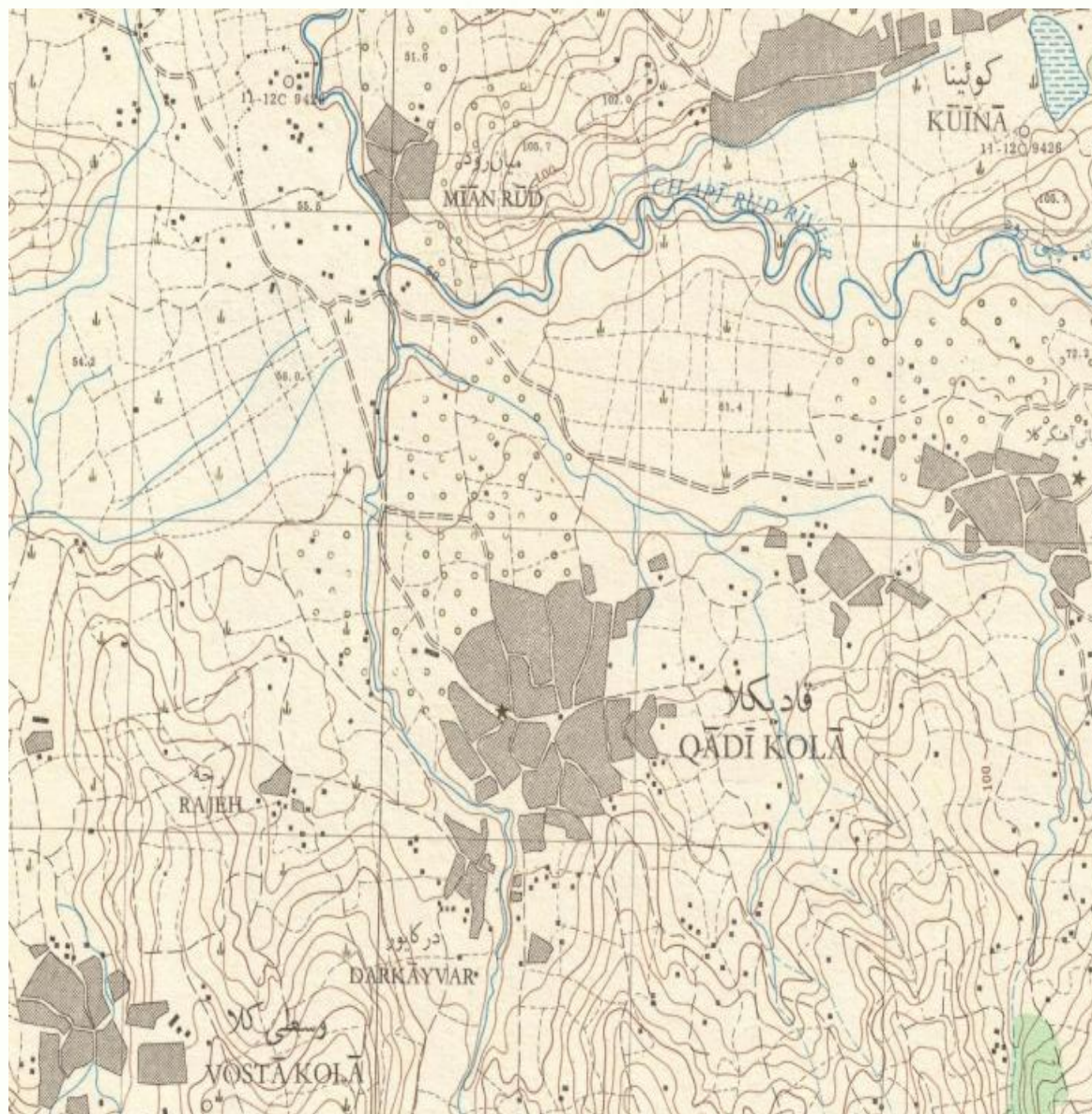
معرفی اجمالی روستا

روستای قادیکلای بزرگ از نظر تقسیمات کشوری با کد آبادی ۲۰۷۶۳ در استان مازندران دهستان علی آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان قائم شهر واقع شده است. این روستا مکان مرکزی است و مرکز دهستان مذکور می باشد. در طرح های ناحیه ساری و طرح سطح بندی سکونت گاه های روستایی استان مازندران به عنوان مرکز مجموعه علی آباد مشخص شده است.

روستای قادیکلای بزرگ با ارتفاع ۷۵ متر از سطح آبهای دریای آزاد در موقعیت جغرافیایی $13^{\circ} 54'$ $52''$ درجه طول شرقی و $36^{\circ} 25' 43''$ درجه عرض شمالی و در فاصله شش کیلومتری از مرکز شهر، ۲ کیلومتری ضلع جنوب شرقی شهرستان قائم شهر قرار دارد. روستای مذکور از سمت شمال به روستای آبمال از سمت جنوب به جنگلهای سر سبز و تفریحی خوبی متصل است که رودخانه سیاهرود از آن می گذرد. از جهت شرق به روستای آهنگرکلای بیشه سر و جنگا و از جهت غرب به روستای وسطی کلا محدود می شود.

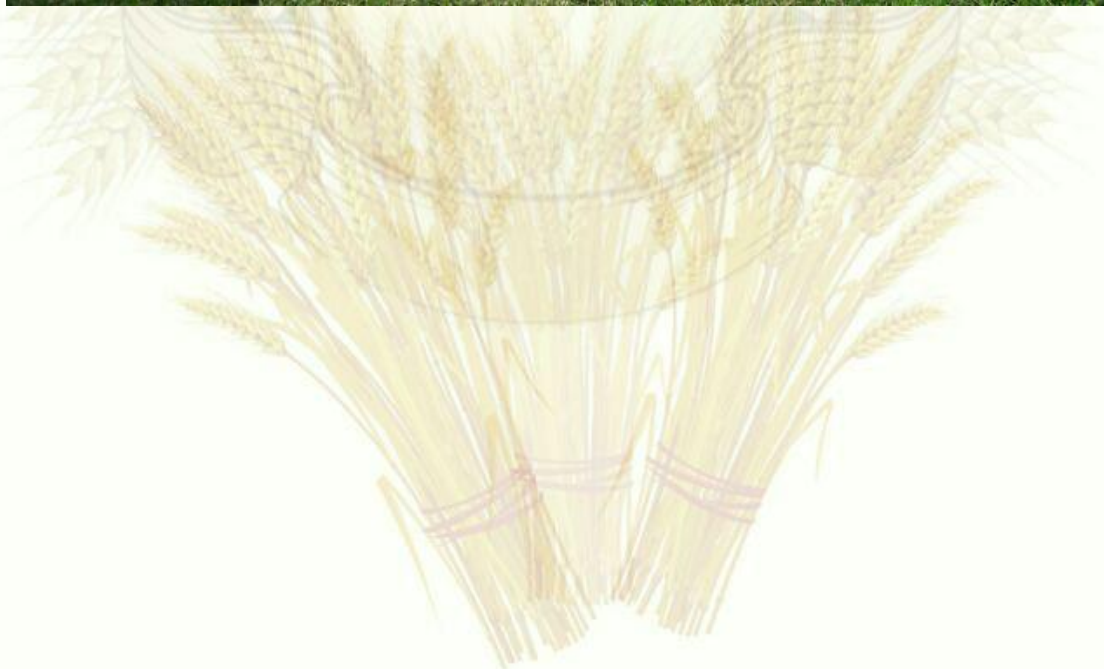
شکل زیر پهنه روستای قادیکلای بزرگ را نشان می دهد:

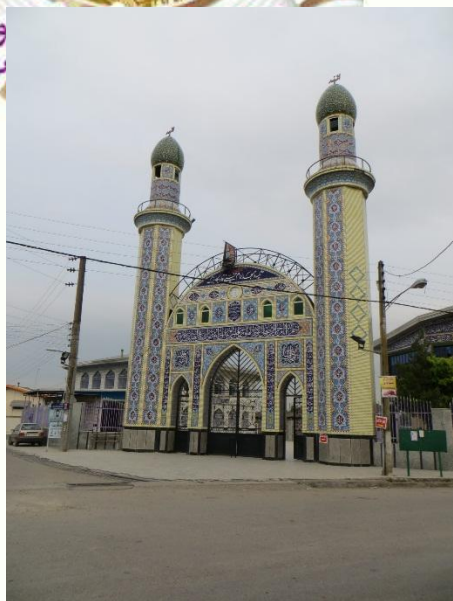






مرداب قادیکلای بزرگ





مسجد امام خمینی (ره) قادیکلای بزرگ



حمام عمومی قدیمی روستای قادیکلای بزرگ





حسینه آقابلور قادیکلای بزرگ

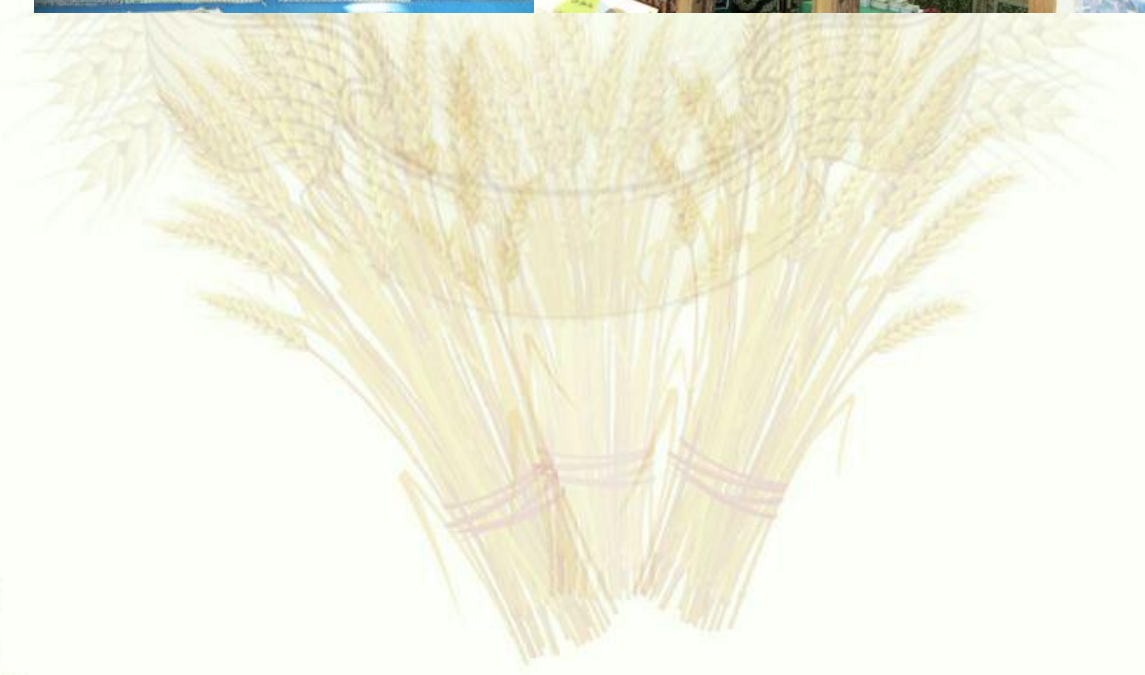


این حسینه در مسیر تکیه پایین محله بسمت درویش سر (شورش پی) و با فاصله حدود ۵۰ متری از تکیه پایین محله در سمت راست در سر جاده قرار گرفته است. زمین اصلی این حسینه امروزه به شخص دیگری فروخته شده است. دیواره اصلی این حسینه کاملاً تخریب شده و از بین رفته است و تنها سقاخانه آن پایدار است و سقاخانه نیز در حال تخریب است. متولی های امروزی که وارثین آقا بلور هستند فقط به دادن یک وعده غذا در سال اکتفا می نمایند. در زمانی که این حسینه پا بر جا بود در کلیه ایام محرم مخصوصاً ده شب اول مراسم عزادری و نذورات پا بر جا بوده و در بقیه ایام هفته ای یک روز مراسم عزادای بر گزار می گردید. این حسینه این حسینه امروزه از بین رفته و خبری از آن نیست از سخنران اصلی این حسینه می توان به شیخ یوسف شریعتی و شیخ صالح اشاره نمود.





حسینیه اسحاقی با قدمت ۱۵۰ سال





شهدای روستای قادیکلای بزرگ





بزرگان قادیکلای بزرگ



روحانی زاده قادیکلای تقی

از مجتهدین و علمای قادیکلای بزرگ

محل تولد: قادیکلای بزرگ

تاریخ تولد: نامشخص

فوت - ۱۳۳۵ هـ ق

محل دفن: تکیه امام خمینی (ره) قادیکلای بزرگ

حضرت آیت الله شیخ تقی قادیکلایی (روحانی زاده) فرزند مرحوم ملا خلیل قادیکلایی از افتخارات خطه مازندران مخصوصاً قادیکلای بزرگ که تحصیلات خود را تماماً در نجف اشرف پشت سر گذاشته و از مجتهدین مسلم و موفق عصر خود بود. وی از لحاظ حسن خلق و زیبایی صورت و سیرت هر دو زبان زد خاص و عام بوده اند که بسیاری از مردم منطقه در امور حسبیه و شرعیه، اجتماعی، صلح و سازش و دوستی و عمران آبادانی به حضرت آقا مراجعه می کردند. از علمای اواخر قاجاریه قائم شهر روستای قادیکلای بزرگ بود. وی پس از پایان تحصیل مقدماتی در مازندران به عتبات رفت و از محضر استادانی چون سید کاظم یزدی بهره برد. موفق به دریافت درجه اجتهاد شد. او پس از ۱۶ سال اقامت در نجف به زادگاهش قادیکلای بزرگ بازگشت و مرجع امور شرعی و اجتماعی اهالی شد. از جمله آثار او حاشیه بر عروه الوثقی است.





اسحاقی قادیکلایی رضا (۱۲۷۸ شمسی - ۱۳۶۷ شمسی)

محل تولد : قادیکلای بزرگ

تاریخ تولد : ۱۲۷۸ شمسی

تاریخ فوت : ۱۳۶۷ شمسی

محل دفن : قم جوار امام زاده طیب



شیخ رضا اسحاقی قادیکلایی از علمای قائم شهر روستای قادیکلای بزرگ که به زهد و تقوا نامدار بود ایشان در فعالیت های مذهبی و اجتماعی نقش بسزایی در منطقه داشت . او تحصیلات خود را در قم تا سطح عالییه فرا گرفت و از مراجع بزرگی چون حجت کوه کمری و گلپایگانی اجازه اجتهاد داشت . وی پس از تحصیلات به زادگاهش قادیکلای بزرگ باز گشت. ایشان در خانواده علم و روحانیت در حدود سال ۱۲۷۸ شمسی چشم به جهان گشود و بعد از مازندران، برای تکمیل دروس حوزوی به قم هجرت کرده و با بهره گیری از محضر اساتید بزرگ من

جمله آیات عظام حجت کوه کمره ای، فیض قمی، سید صدرالدین صدر، سید شهاب الدین مرعشی، سید محمد رضا گلپایگانی، رضوان الله علیهم نائل به درجه اجتهاد شدند. در سن چهل و دو سالگی به مسقط الرأس خود بازگشتند و حدود پنجاه سال در حسینیه جد خود مرحوم آقا شیخ اسحاق قادیکلایی از شاگردان شیخ انصاری ره که در وادی السلام نجف اشرف مدفون هستند به ترویج دین پرداختند و تا اواخر عمر پر برکت ایشان کسی از اقوام و اطرافیان حتی تنها فرزند روحانی ایشان، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقا شیخ رسول اسحاقی، از اجازات اجتهاد ایشان اطلاعی نداشته اند. ایشان بدور از تعلقات و تقیدات دست و پا گیر ظاهری، در مناسبت های مختلف مذهبی و شهادت ائمه معصومین علیهم السلام بر اقامه مجالس اهل بیت مداومت داشتند و گاهی در حسینیه تنها مستمع ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام بودند! بعد از حدود نود سال عمر پر بار در سال ۱۳۶۷ ش در شهر مقدس قم دارفانی را وداع گفتند و در جوار امامزگان واجب العظیم، امام زاده طیب و طاهر علیهما السلام مدفون گردیدند.





شیخ عبدالنبی نظری قادیکلایی^۱

محل تولد : قادیکلای بزرگ

تاریخ فوت : ۱۳۱۹ شمسی

محل دفن : در اسله سوادکوه

آیت الله شیخ عبد النبی نظری قادیکلایی در خانواده متدین و روستایی دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش ملا محمد تقی قادیکلایی از اهالی قادیکلای بزرگ بوده است .

از علماء و مجتهدین بنام و معروف و سرشناس مازندران ، اهل قائم شهر واز روستای قادیکلای بزرگ است .

مقدمات علوم دینی را در بابل و ساری فرا گرفت. برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و مدت بیست سال در محضر استادانی چون سید کاظم یزدی و آخوند خراسانی مدارج عالی را طی نمود در جریان مشروطه از تفکر شیخ فضل الله نوری پشتیبانی می کرد که دچار مشکلاتی شد. مدتی نگذشت که به زادگاهش هجرت نمود و به نشر احکام و معارف اسلامی کوشید.

وی حدود بیست سال در نجف اشرف در جوار حرم نورانی امیر المومنین به تحصیل علم پرداخت و در فقه و اصول و دیگر رشته های علوم اسلامی به مقام رفیع و جایگاه منیع رسید.

آیت الله شیخ عبد النبی نظری قادیکلایی در اقامت بیست ساله خود در جوار حرم نورانی و شریف حضرت امیرالمومنین (ع) از محضر پرفیض بزرگانی چون آیت الله سید کاظم طباطبایی صاحب عروه و مرحوم آخوند خراسانی کسب فیض نمود و پس از عزیمت به زادگاه خود مواجهه با پیش آمدن قضیه مشروطه و اتخاذ مواضع صریح در حمایت از مشروطه ی مشروعه و همراهی و هم نوایی با شیخ فضل الله نوری و به جان خریدن مشکلات و نامالایمات با صلابت تا مرز شهادت ایستادگی کرد . کشتار و درگیری در قادیکلای بزرگ موجب گردید تا ایشان از قادیکلای بزرگ به خطه ی سوادکوه هجرت نمایند^۲ در همان خطه ازدواج نمود . برای همیشه ساکن منطقه سوادکوه شد. به مدت سی سال به تبلیغ و ترویج دین مبین اسلام و بیان نشر احکام و معارف والای سید المرسلین و عترت طاهرین آن حضرت و مقابله با انحراف ، بدع و مبارزه با زورگویان در زمان حکومت های یاغی و طاغی آن دوران پرداخت. فرزند بزرگوارشان (حضرت آیت الله نظری خادم الشریعه (هجرت پدر به سواد کوه را چنین بیان میکند :

^۱ - در کتاب علمای مازندران به اسم عبدالنبی نظری مازندرانی آمده است

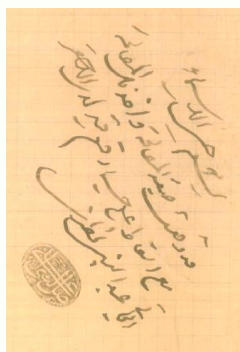
^۲ مصاحبه با هرمز دارایی





استقرار مرحوم آقا در موطن خود، قادیکلای بزرگ علی آباد (قائمشهر فعلی) مصادف شده بود با سر و صدای مشروطیت و از اینجا بود که صدای مشروعه خواهی مرحوم آقا شیخ عبدالنبی با نوای شیخ شهید حاج شیخ فضل الله نوری اعلی الله مقامه در هم آمیخت. آن یکی با دسیسه ناجوانمردانه دشمنان دین و میهن بر بالای دار مأوی گزید و این یکی پس از رهائی دادنش به وسیله ارادتمندانش از چنگ اشراک (که شبانه در ماه مبارک رمضان برای به شهادت رساندن او به خانه اش در قادیکلای یورش بردند)، ناچار به ترک دیار و هجرت به سوادکوه گردید. آقا شیخ عبدالنبی پس از اقامت در سوادکوه با صبیبه مکرم آقا سید عبدالله وصلت نمود و خدای بزرگ ثمره این وصلت خجسته را فرزند برومندی مقرر فرمود که اینک میراث دار دو خاندان و چلچراغ پرفروغ دودمان گردید.

شیخ عبدالنبی در سال ۱۳۱۹ در دریا سله سوادکوه این جهان فانی را وداع گفت و به دیار ابدی شتافت و در دریا سله سوادکوه به آرامش ابدی رسید.





شیخ عبدالرحیم فقیه قادیکلایی

(۱۳۴۶ش_۱۲۵۰ش)

تاریخ تولد: ۱۲۵۰ هجری شمسی

محل تولد: قادیکلای بزرگ

تاریخ فوت: ۱۳۴۶ شمسی



از علمای قائمشهر در اواخر قاجار بود. پدرش شیخ اسماعیل قادیکلایی از فقهای برجسته مازندران و از علمای بزرگان عتبات بود. وی هم برای تحصیل به عتبات عزیمت کرد و از محضر مراجع بزرگی چون آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی کسب فیض کرد و پس از بیست سال اقامت و طی مدارج عالییه در آنجا به زادگاهش قادیکلای بزرگ بازگشت و به وعظ و ارشاد اشتغال داشت





خانم سکینه خداپرست مامای قدیمی

خانم سکینه خداپرست مامای قدیمی و زبردست قادیکلای بزرگ و روستا های اطراف آن ، فرزند گل برار و نوه لطف علی و نتیجه بابا علی است. سکینه خداپرست در تاریخ ۱۲۹۲ در روستای قادیکلای بزرگ در محله داراخیل متولد شده است. سکینه خانم دوران کودکی در روستای قادیکلای طی نمود. در اوان جوانی یعنی سن ۱۷ سالگی ازدواج نمود که متاسفانه در کمتر از یک سال شوهرش بر اثر مریضی فوت می نماید. پس از مدتی با آقای محمد آهن جان (آهنگران) ازدواج مجدد می نماید. حاصل این ازدواج شش فرزند چهار دختر و دو پسر بوده که از این شش فرزند یک پسر در چند ماهگی و پسر دوم او در حدود ۲ سالگی از دنیا می روند و چهار دختر بنام های همینه (آمنه) - خوبانه (ماما بوده) - شکوفه و صغرا (نام مادر بزرگ مادری را داشته است) برای ایشان باقی می ماندند. از خصوصیات سکینه خانم می توان به اندام نازک ، لاغر و زیبای ایشان اشاره نمود و همین خصوصیات باعث تیز رو بودن ایشان شده و دست های لاغر ایشان نیز موجب کمک ایشان در زایمانهای سخت بوده است. از خصوصیات دیگر ایشان این بود به دلیل بدنی آوردن اکثر بچه های قادیکلا آنها را فرزند خود می دانست. برای



جدا نمودن هر کدام از فرزندان لقب خاصی برای آنها انتخاب می نمود تا بتواند راحتتر آنها را از همدیگر جدا نماید. اگر شخصی با زبان اشاره ایشان آشنا نبود در فهم مطالب ایشان دچار مشکل می شد. به دلیل شغل سکینه خانم از افراد عصبانی در کار خود بحساب می آمد. تولد نوزادن مختلف موجب خوش قلبی ایشان می شد یعنی اینکه در حین عصبانی جزء افراد خوش قلب قادیکلا بحساب می آمد. در ابتدا کار ماما را از مادر شوهر خود (صغرا خانم) آموخت. به دلیل استعداد زیاد و علاقه به کار روز به روز آنها تکمیل و تکمیل تر نمود. تا جای که یکی از مشکل ترین کارها را به شکل خیلی ساده انجام دهد. مثلاً معمولاً کودکان از سر به دنیا می آیند اگر کودکی می خواست از پا به دنیا بیاید با توجه به تجربه سکینه خانم به دستکاری روی شکم و چرخش خاصی فرزند را از پا به دنیا می آورد و یا اینکه با داشتن دستهای نازک و لاغر خود بچه را بطریقی به دنیا می آورد. تا به بچه و به مادر صدمه های وارد نشود. حوزه کاری ایشان بیشتر قادیکلا بوده اما از آنجا که روستاهای اطراف به ماما نیاز داشتند ، ایشان روستاهای آهنگر کلای بیشه سر - گل افشان - چپی - فولاد کلا - اومال و... را تحت پوشش داشت. در آن زمانها رفت و آمد با اسب بوده و با توجه به اعتمادی که بخود و اطرافیان خود داشت بر پشت اسب بصورت یکنفره و یا دو نفره سوار می شد تا بر سر بالین مریض حاضر شود. جهت رفتن به بالای سر بیمار به ساعت خاصی نیاز نبود هر وقت و هر زمان و هر جا به او مراجعه می نمودند آماده بوده تا بر سر بالین مریض حاضر شود.

از لحاظ دستمزد توقع چندانی نداشت و بر حسب اینکه صاحب فرزند از لحاظ درآمد چگونه است و چه چیز و چقدر وسایل و به او می دهند توجه چندانی داشت. این دستمزد می توانست ۳ کیلو برنج - چند کیلو باقالا - دو تا مرغ یا جوجه و..... باشد. هر چیزی با هر مقداری بود می گرفت و خدا را شاکر بوده است. این دستمزدهای دیروزی با توجه به دستمزدهای امروزی آنچنانی قابل مقایسه نیست. هدف سکینه خانم





خدا پرست بیشتر خدمت رسانی به خلق خدا و رضایت خالق بوده است .
وجود درمانگاه (شبکه بهداشت) در قادیکلای بزرگ و آوردن ماما برای بخش
زایمان در درمانگاه موجب گردید تا سکینه خانم حدود ۲ سال خانه نشین شود
و حق کار از او گرفته شود.

با توجه به ماما در درمانگاه خانم های قادیکلا به تجربه سکینه خانم اعتقاد بیشتری داشته و برای کار های زنانه به ایشان
مراجعه می نمودند. این امر موجب گردید مامای درمانگاه طی نامه ای به مرکز بهداشت وجود مامای سنتی در محل را
موجب مختل نمودن در امر زایمان منطقه و مخصوصاً قادیکلای بزرگ بداند . طبق دستور مرکز بهداشت شهرستان سکینه
خانم دیگر حق کار نمودن در بخش زایمان را نداشت. و خانه نشین شد و جناب آقای دکتر خسرویان متوجه این قضیه
گردیده و به مرکز بهداشت اعلام نمود سکینه خانم بمانند دندانپزشک های تجربی در تجربه زیادی است و می توانید از
ایشان تست بگیرید. این امر موجب گردید تا دوباره به کار خود ادامه دهد .

روایت است مامای درمانگاه در یک زایمان سخت از سکینه خان دعوت نمود تا به ایشان کمک نماید . سکینه خانم
نیز قبول نموده و در آن زایمان روش دنیا آوردن بچه در شرایط سخت را به این ماما آموزش داد . ماما با توجه
به درس دانشگاهی متوجه گردید سکینه خانم دارای تجربه زیادی در امر زایمان های سخت است که در دانشگاه
آموزش داده نمی شود. سکینه خانم به تجربه اگر تشخیص می داد وضعیت بچه بصورتی است که مادری توان به دنیا آوردن
بچه را ندارد تاکید داشت مادر را به بیمارستان شهر بفرستند تا برای مادر و بچه مشکلی پیش نیاید.
سکینه خانم دارای تشخیص بار دارای روز های اول و تشخیص خوبی در نوع و زمان زایمان - نوع فرزند - نگهداری
فرزند در روزهای اول زایمان - و بوده است. از آنجایی که مادران در هنگام بارداری خون زیادی از بدن آنان خارج می
شود سکینه خانم با دادن دارو های مختلف (به آن آهن بن می گفتند) خون از دست رفته مادر را جبران نمایند. یا اگر
هنگام زایمان جفت از بدن خارج نمی شد با تجربه خاصی که داشت جفت را از بدن مادر خارج می کرد.



نخبنانه آهن جان

مامای قبل از انقلاب روستای قادیکلای بزرگ



مهر های بزرگان قادیکلای بزرگ

سند های موجود در تاریخ به ما کمک نموده تا بتوانیم بهتر به تاریخ قادیکلای بزرگ پی ببریم . از همین سند ها بوده تا تواستیم نام بزرگان قادیکلا در طول تاریخ را پیدا نماییم .

اما سوال اینجاست در زمانی که علی آباد (عشق) از روستا های ساری به حساب می آمد. و فقط در چهار شنبه ها یک بازار محلی ایجاد می شد. در یک روستای حاشیه جنگل چه انسانهای بزرگی زندگی می کردند که می توانستند برای معاملات روزمره خود مشق نمایند و از همه مهتر اینکه این اشخاص برای خود مهری داشته و با استفاده از مهر شخصی آن نوشته ها تایید نمایند . چگونگی تهیه مهر و ساخت آن به یک بحث مفصل نیاز دارد و در اینجا فقط به مهر های بدست آمده در طول تاریخ یعنی از ۱۲۱۵ هجری قمری برابر ۱۱۷۹ هجری شمسی تا سال ۱۴۰۰ هجری قمری برابر ۱۳۵۸ هجری شمسی حدود ۱۸۰ سال قبل به تعدادی از آنها را برحسب کیفیت چاپ انتخاب نموده ایم

لازم به ذکر است هر چه به سلسله اواخر قاجاریه نزدیک می شویم استفاده از مهر ها کم رنگ تر شده و در دوره پهلوی جای خود را به امضاء شخصی می دهد برای نمونه چند امضا را انتخاب و در معرض دید شما قرار داده ایم با دیدن این مهر ها می توان گفت کلمه بزرگ در انتهای قادی کلای بزرگ بر گرفته از اشخاص بزرگ آن است نه به زمین آن و بقول معرف بزرگ بودن قادیکلا به کیفیت آن است نه به کمیت آن





تصاویری از سیر تحول کتابخانه عمومی شهید حسینعلی رستگار قادیکلای بزرگ

اولین ساختمان کتابخانه یک اتاق به مساحت ۵۰ متر
که به جهت تخریب ساختمان به مکان استیجاری منتقل شده.



مکان استیجاری، مغازه ای به مساحت ۳۰ متر مربع، رو بروی مدرسه ابتدایی روستای قادیکلای بزرگ



رنگ آمیزی درب
ورودی و بتن جلوی
درب ورودی و
ونصب بنر جدید

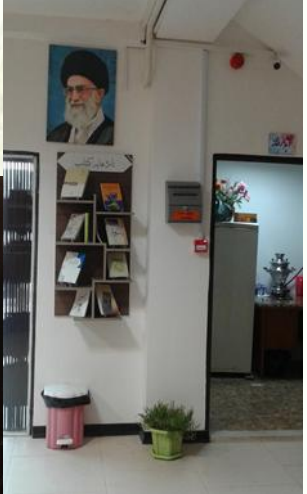




مکان فعلی کتابخانه که در سال ۱۳۹۵ افتتاح گردید.











باسمه تعالی

اداره کل محترم کتابخانه های عمومی مازندران

با سلام ، احتراماً اینجانبان امضاء کنندگان ذیل وراث شهید حسینعلی رستگار فرزند مراد رستگار زمینی به مساحت ۳۳۰ متر مربع واقع در روستای قادیکلای بزرگ ، میدان امام حسین که از چهار طرف جنوب به زمین جناب آقای اسحاقی ، شمال به زمین جناب آقای نظری ، شرق به خیابان عام و غرب به زمین جناب آقای همت الله سلمانی محدود می باشد را جهت احداث کتابخانه عمومی در روستای قادیکلای بزرگ مشروط بر اینکه نام آن شهید بزرگوار پس از احداث کتابخانه در تابلوی سردر کتابخانه درج گردد، واگذار می نمایم . ضمناً بدینوسیله اعلام می داریم در صورت هرگونه اعتراض یا ادعایی نسبت به زمین مذکور شخصاً پاسخگو باشیم .

اسامی امضاء کنندگان :

- ۱- حاجیه خواهر مرزبان ، مادر شهید
- ۲- حسین رستگار ، برادر ارشد شهید
- ۳- حاجیه خاتون رستگار ، خواهر شهید
- ۴- منیژه رستگار ، خواهر شهید
- ۵- مرحوم علی رستگار ، برادر شهید (به نمایندگی : حسینعلی رستگار فرزند ارشد مرحوم)

نوبت
همت امضا کننده
رستم مودرتا سرور

لواحان
عقد
اوس





اطلاعات کتابخانه عمومی شهید حسینی رستگار

۳۷۰	مساحت کل کتابخانه
۳۶۰	زیربنا
۱۱۸۹۳	تعداد نسخه
۱۰۸۵۹	تعداد عنوان
۱۴۷۶	تعداد اعضای فعال





کتابخوانی را باید جزو عادات خودمان قرار دهیم. به فرزندانمان هم از کودکی عادت بدهیم کتاب بخوانند؛ مثلاً وقتی می خواهند بخوانند، کتاب بخوانند.

نظام معظم رهبری

اداره کتابخانه های عمومی و انجمن خیرین کتابخانه ساز شهرستان قائم شهر



امروز کتابخوانی و علم آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان، باید احساس وظیفه کنند.

نظام معظم رهبری

اداره کتابخانه های عمومی و انجمن خیرین کتابخانه ساز شهرستان قائم شهر



در جامعه باید سنت کتابخوانی رواج پیدا کند. کتابخوانی باید در جامعه ترویج شود؛ و این کار بر عهده همه دستگاه‌هایی است که در این زمینه مسئولند.

نظام معظم رهبری

اداره کتابخانه های عمومی و انجمن خیرین کتابخانه ساز شهرستان قائم شهر